

همیشه‌ری ایرانی‌ها

قهرمان اورامان

گفت‌وگو با یونس فیضی، فعال محیط‌زیست دارای معلولیت که این روزها ویدئوی تلاش او برای خاموش کردن آتش جنگل‌های اورامانات پربازدید شده است



آتش‌سوزی در جنگل‌های اورامان



برای دیدن فیلمی از یونس که در شبکه‌های مجازی پربازدید شده، این کیوار کد را اسکن کنید.



محمود مولایی روزنامه‌نگار

گزارش

تا به حال از ویلچر استفاده نکرده، با اینکه پاهایش را در کودکی از دست داده است. یونس فیضی ۳۸ ساله تاکنون دست به کارهای زیادی زده است؛ کارهایی که با موفقیت همراه بوده و هنوز هم گام در مسیرهای متفاوتی می‌گذارد؛ مانند همین ۲ هفته پیش که بخشی از جنگل‌های اورامانات آتش گرفت و او با حداقل امکانات برای مهار آتش، دل به حریق زد. یونس فیضی، فعال محیط‌زیست با وجود معلولیت کارهای بزرگی انجام داده است.



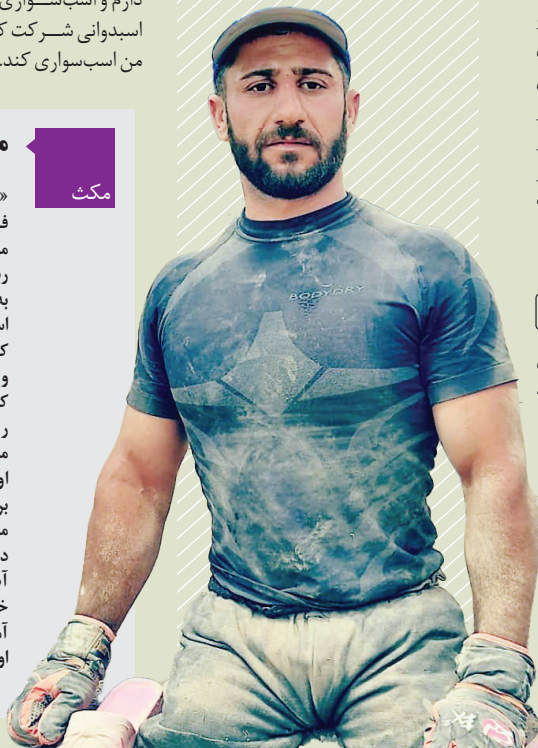
صعود یونس فیضی به قله دماوند



وقتی در فضای مجازی مشاهده کردم جنگل‌های اورامانات آتش گرفته‌اند و جانورانی مانند مار، لاک‌پشت و... در آتش می‌سوزند، دلم به حال حیوانات و درختان سوخت

منطقه ما در زمان جنگ مین‌گذاری شده و بعد از سیل مین‌ها بیرون زده بود. روی مین رفتیم. پسرعموهایم شهید شدند و من هم ۲ پای خود را از دست دادم

با اینکه از کودکی پاهایم را از دست دادم، هیچ‌گاه در زندگی ناامید نشدم. برای من اصلا داشتن یا نداشتن نیست و اصلا فکر نمی‌کنم که پندارم



ماجرای من و یونس!

مکت

«منصور سولوی آذر» یکی از دوستان قدیمی «یونس فیضی» است. منصور همچون یونس در کودکی روی مین رفتن و به همین دلیل، یک پایش قطع شده است. رسولی آذر هم مانند یونس فعال محیط‌زیست است. او به همشهری می‌گوید: «یونس رفیق دوران کودکی من است و هنوز هم با هم دوست هستیم. من و یونس با هم کوه می‌روییم در جنگل آتراق می‌کنیم. منصور درباره ویدئوی منتشر شده عنوان می‌کند: «۷، ۸ روزی بود که جنگل آتش گرفته بود، اما کسی نبود که آتش را خاموش کند. البته یکسری طبیعت‌گردها تلاش می‌کردند، ولی نتیجه نمی‌داد.» او ادامه می‌دهد: «به یونس پیشنهاد کردم که اگر ما برای خاموش کردن آتش به جنگل برویم، خیلی‌ها ما را می‌بینند و آنها هم به ما ملحق می‌شوند. یعنی دیگران هم وضعیت ما را می‌بینند و شرم کرده و در خاموش کردن آتش به ما کمک می‌کنند.» رسولی آذر می‌گوید: «وقتی خودمان به جنگل رفتیم و این ویدئو منتشر شد، خیلی‌ها از شهر آمدند تا آتش را خاموش کنند. به‌نظر مردم وقتی دیدند که ۲ فرد معلول آتش جنگل را خاموش می‌کنند، به‌خودشان آمدند تا آتش خاموش شود.» او اضافه می‌کند: «من و یونس فعال محیط‌زیست هستیم. وقتی به کوه و جنگل می‌رویم، یکی از کارهای مهم ما این است که زباله‌های ریخته شده در طبیعت را جمع‌آوری کنیم.»



ثبت‌ملی

این مراسم فقط در خوسف استان خراسان جنوبی اجرا می‌شود و نوعی شیبه‌سازی از طایفه بنی‌اسد در صحرای کر بلاست که پس از ۳ شش‌ماه روز در ۱۳۲۷ شمسی ممنوع شد و بر گزار نشد ولی پس از ۱۳۲۷ سال ۶۱ هجری در میان حوز و لاندوه، پیکر مظهر شهدا را با بیل و یا ابزار دیگری که در دست داشتند به خاک سپردند. مراسم بیل زنی خوسف در فهرست میراث معنوی کشور به ثبت رسیده است. به‌گفته مردم محلی، این مراسم در سال ۱۳۲۷ شمسی ممنوع شد و بر گزار نشد ولی پس از مدتی دوباره به هر مرحله اجرا در آمد. سال گذشته این مراسم در تقویم رویدادهای گردشگری کشور نیز ثبت شد.



برای تماشای آیین بیل‌زنی خوسف این کیوار کد را اسکن کنید.

در هوای نینوا



بیل‌زنی

نماد روبرویی

یکی از میراث‌های معنوی خوسف در خراسان جنوبی، آیین سنستی بیل‌زنی است که قدمتی ۲۵۰ ساله دارد. مراسم بیل‌زنی خوسف هم‌زمان با ظهر عاشورا برای ابراز محبت دلدادگان حسین بن علی (ع) برگزار می‌شود. مردم منطقه از دیرباز اعتقاد دارند بیل‌زنی در عصر عاشورا مایه برکت محصولات کشاورزی انسان در سال زراعی می‌شود و کشاورزان در چنین روزی با شرکت در مراسم بیل‌زنی و نخل‌گردانی، روزی حلال‌خود را به واسطه امام حسین (ع) از خداوند طلب می‌کنند. به هم‌خوردن بیل‌ها در روز عاشورا نماد روبرویی لشکریان کفر و لشکریان امام حسین (ع) است که جنگ لشکر بانی یزید علیه لشکر کوچک سیدالشهدا (ع) و مظلومیت شهدای کربلا را نشان می‌دهد.



حرکت

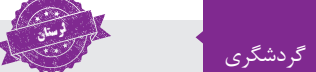
به سمت قتلگاه

هر سوم است هر سال هم‌زمان با روز عاشورا نخل‌ها و دست‌های سبزینه‌زنی، زنجیرزنی و بیل‌زنی از محل استقرار هیئت خود، به سمت خیابان شهید مطهری به حرکت در بیایند و بسا عزاداری، نوحه‌سرای و مرثیه‌خوانی و سر دادن شعارها و نوحه‌ها با نظم خاصی وارد قتلگاه حسینیه صاحب‌الزمانی شوند. برای برگزاری آیین بیل‌زنی در هر یک از ۲ هیئت خوسف ۲ دسته ۴ نفری که در مجموع ۸ نفری است، تشکیل می‌شود و هر یک از نفرات بیل به دست، دایره‌وار و به هم‌چسبیده بیل‌هایشان را به طرف آسمان می‌گیرند؛ طوری که هنگام حرکت یک‌ایز نفرات به هوا بریزد و تیغه بیلش را به بیل‌های دیگر می‌زند و همه با هم «حیدر علی» می‌گویند.



ثبت‌ملی

این مراسم فقط در خوسف استان خراسان جنوبی اجرا می‌شود و نوعی شیبه‌سازی از طایفه بنی‌اسد در صحرای کر بلاست که پس از ۳ شش‌ماه روز در ۱۳۲۷ شمسی ممنوع شد و بر گزار نشد ولی پس از ۱۳۲۷ سال ۶۱ هجری در میان حوز و لاندوه، پیکر مظهر شهدا را با بیل و یا ابزار دیگری که در دست داشتند به خاک سپردند. مراسم بیل زنی خوسف در فهرست میراث معنوی کشور به ثبت رسیده است. به‌گفته مردم محلی، این مراسم در سال ۱۳۲۷ شمسی ممنوع شد و بر گزار نشد ولی پس از مدتی دوباره به هر مرحله اجرا در آمد. سال گذشته این مراسم در تقویم رویدادهای گردشگری کشور نیز ثبت شد.



گردشگری

تغییر جهت عجیب سپیددشت در مسیر قطار

مسافران خوزستان به تهران در سفر با قطار اتفاق جالبی را تجربه می‌کنند. آنها سپیددشت لرستان را یک‌بار در سمت راست خود مشاهده می‌کنند و بار دیگر در سمت چپ. به گزارش همشهری، مسیر ریلی خوزستان به تهران ۱۲۷ کیلومتر است. در ورودی شهر سپیددشت لرستان از طرف چمنسنگر، مسافرانی که به بیرون قطار نگاه می‌کنند، شهر سپیددشت را در سمت چپ خود می‌بینند. قطار به مسیر خود ادامه می‌دهد و با وارد شدن به تونل و خارج شدن از آن مسافران سپیددشت را در سمت راست خود تماشا می‌کنند. تماشای این شهر در سمت راست و چپ چندبار دیگر با ورود و خروج به تونل‌ها تکرار می‌شود و همین باعث جذابیت این مسیر ریلی می‌شود.

دلیل ماجرا چیست؟

در بررسی علت این اتفاق هیجان‌انگیز باید نگاهی به جغرافیای منطقه بیندازیم. هنگامی که قطار از سمت ایستگاه چمنسنگر به شهر سپیددشت وارد می‌شود، می‌باید اختلاف ارتفاعی حدود ۵۰ متر را در طول مستقیم یک کیلومتر طی کند تا به محل ایستگاه راه‌آهن این شهر برسد. طی کردن این مسیر به‌صورت ریلی با این اختلاف ارتفاع در واقع کاری غیرعملی و غیرممکن است. از این رو مهندسان شرکت مهندسی کامپاسک دانمارک، مشاور فنی و طراح بخش‌هایی از راه‌آهن ایران، برای ادامه، مسیری به طول ۴،۷ کیلومتر را به‌صورت S و در ۳ خط طراحی کرد تا به ایستگاه راه‌آهن برسد. پس از طراحی این قسمت مهم از راه‌آهن ایران، اجرا و ساخت آن با شرکت راه‌آهن و فواید عامه بلژیک بود. هم‌اکنون پس از گذشت بیش از ۸۵ سال این مسیر ریلی از راه‌آهن سراسری ایران جذابیت‌های منحصر به‌فرد و خاص خودش را دارد.



وجه تسمیه سپیددشت

همین خط آهن سبب شد که سپیددشت شکل بگیرد و برای خودش شهری شود؛ همین قرار گرفتن در مسیر راه‌آهن تهران - جنوب، شهر سپیددشت در محدوده اداره کل راه‌آهن لرستان و محور تهران - خرمشهر است. سومین ایستگاه از دورود و در فاصله ۴۲ کیلومتری آن. سپیددشت نامش را هم مدیون همین خط راه‌آهن است. در زبان لری به پیچ راه، پید می‌گویند و سه پیچ یا سه پید وجه تسمیه این منطقه است؛ یعنی دشتی که ۲ پیچ راه‌آهن از آن می‌گذرد. شهر سپیددشت به‌عنوان گلوگاهی بین شهرهای خرم‌آباد، دورود، منطقه شول‌آباد الیگودرز و اندیمشک قرار دارد.

ماجرای سه خط طلا چیست؟

نکته جالب دیگر مسیر ریلی سپیددشت این است که به آن خواهرخوانده «سه خط طلا» می‌گویند. ماجرای سه خط طلا هم به بل ورسک که از بزرگ‌ترین پل‌های راه‌آهن سراسری ایران است برمی‌گردد که در سال ۱۳۱۵ به بهره‌برداری رسید. در اردیبهشت سال ۱۳۱۲ شرکت دانمارکی کامپاسک قرار داد احداث راه‌آهن شمال - جنوب ایران را امضا کرد. مهندسان اروپایی به ایران آمده و پس از تهیه عکس هوایی از کوه‌های البرز متوجه شدند که راه‌آهن باید از روستای عباس‌آباد (که بعدها به ورسک تغییر نام داد) عبور کند و قطار پس از روستای ورسک باید با طی مسافت ۱۰ کیلومتر و نیز ۶۰۰ متر صعود، از کوهستان عبور و به سمت تونل گدوک حرکت می‌کرد که حرکت در چنین شیب تند برای قطار ناممکن بود. پس آنان تصمیم گرفتند مسیر را به شکل ۳ پله روی دامنه کوه اجرا کنند که به «سه خط طلا» معروف شد. طراحی این خطوط به جهت کم کردن شیب و افزایش ضریب قدرت لکوموتیوها در نظر گرفته شده است که برای سیستم حمل‌ونقل ریلی کشور ارزشی به‌مراتب بیشتر از طلا دارد. از این‌رو به این ۳ خط راه‌آهن که بالای یکدیگر قرار دارند، به اصطلاح سه خط طلا می‌گویند.

در فرصت باقیمانده از تعطیلات تابستانی خوب است تجربه سفر با قطار و دیدن ۳ خط طلا یا خواهرخوانده سه‌سه خط طلا در سپیددشت را برای خود رقم بزنید.

برای دیدن ویدئوی این گزارش این کیوار کد را اسکن کنید.

